

## خبر

واکنش حمیدرضا یگانه به جنایت شاه‌چراغ:

**غم‌انگیز است و باعث تأسف!**



حمیدرضا یگانه، بازیگر سینما و تلویزیون با تسلیت به خانواده‌هایی که در حمله تروریستی شاهچراغ عزیز از دست داده‌اند، با آنها ابراز همدردی کرد. این بازیگر دو واکنش به این جنایت گفت: غم‌انگیز است و باعث تأسف، امیدوارم دیگر شاهد این حملات دردناک نباشیم. حمیدرضا یگانه در گفت‌وگویی با ایسنا در واکنش به حمله تروریستی به شاهچراغ ضمن ابراز تأسف و محکوم کردن این حادثه دردناک، اظهار می‌کند: به نوبه خودم تسلیت می‌گویم به مردم ایران، شیرازی‌های عزیز و خانواده‌هایی که عزیزانشان را در این حادثه از دست داده‌اند؛ آنهایی که آسیب دیده‌اند چه جانی و چه روحی، چه آنها که آنجا حضور داشتند و چه خانواده‌هایشان. بسیار پایت این اتفاق متأسفم و امیدوارم دیگر شاهد چنین حوادثی نباشیم چون بسیار غم‌انگیز است و مایه تأسف.

یگانه به صحبت‌هایش چنین ادامه می‌دهد: طی این مدت شرایط سیاسی و اقتصادی تحت فشار بوده و وقتی من این اتفاقات بیفتد، دیگر هیچ. سوال اینجاست که چرا باز هم شاهچراغ؟ البته این پرسش را باید تروریست‌ها پاسخ بدهند. نمی‌دانم دلیشان چیست که آنجا را هدف قرار می‌دهند. اکنون امیدوارم آنهایی که در این حادثه آسیب روحی دیده‌اند، هرچه زودتر حالشان خوب شود. شرایط سختی است.

**باید بیشتر درباره بیکاری‌ها صحبت کنیم**

بازیگر سرپال‌های «فتنگ سرپر»، «خانه امن»، «آوای باران»، «آخرین نگاه» و «گیله‌وا» در بخش دیگر این گفت‌وگو درباره کارهای جدید و دلیل حضور کم‌رنگش در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی، توضیح می‌دهد: باید بیشتر درباره بیکاری‌ها صحبت کنیم تا کارهای جدید. من دو سال است که عملاً بیکارم؛ البته در این مدت پیشنهادهایی داشتم و دعوت به کار شده‌ام اما پیشنهادها اصلاً خوب نبوده و خودم قبول نکردم. به حدی تولیدات کم شده و سلیقه‌های محدود کار می‌کنند که خیلی از کارگردان‌ها، تهیه‌کنندگان و بازیگران به‌نام و باسابقه، مدت‌هاست که بیکار شده‌اند. او خاطرنشان می‌کند: مردم عزیز همیشه به من لطف داشتند اما واقعاً نمی‌توانم کاری را قبول کنم که خوب نباشد. در شبکه نمایش خانگی هم در این مدت پیشنهاد خاصی نداشتم که بخواهم به آن فکر کنم.

توجه سلیقه‌ها را در تولیدات تلویزیون لحاظ کنیم یگانه در پی همین صحبت‌ها در پاسخ به اینکه آیا صحبتی دارید در این زمینه که به گوش مسئولان صداوسیما برسد؟ عنوان می‌کند: مسئولان صداوسیما قطعاً خودشان کیفیت کارها را می‌بینند و تشخیص می‌دهند که کارها خوب نیستند. امیدواریم که این موضوع حل شود. برای اینکه کیفیت‌ها بالا برود به نظرم دو فاکتور اصلی وجود دارد: یکی تنوع سلیقه‌هاست؛ اینکه تولیدات محدود به یکسری کارهای خاص نباشند و دوم فراهم کردن شرایط اقتصادی که اگر این دو رعایت شود کارهای خوب و درجه یکی ساخته خواهد شد. از طرفی هم همه سلیقه‌ها را تأمین می‌کنند. خیلی از همکاران باسابقه ما سال‌هاست که بیکار هستند فقط به دلیل اینکه کارها محدود شده‌اند.

او درباره تولیدات سفارشی صداوسیما هم بیان می‌کند: کارهای سفارشی هم اگر خوب باشند بد نیست. چه اشکالی دارد؛ ولی مشکل اینجاست که کار خوب کم شده است.

**برنامه‌های شبکه نمایش خانگی با سلیقه مردم همخوانی دارد**
یگانه در پاسخ به پرسشی درباره مقایسه فضای شبکه نمایش خانگی با تلویزیون هم می‌گوید: در شبکه نمایش خانگی به دلیل اینکه فضا بازتر است و شرایط اقتصادی نسبتاً بهتری دارد، کارهای بهتری هم ساخته می‌شود که مخاطب داند و دو فاکتوری که اشاره کردم در شبکه نمایش خانگی تا حدودی رعایت می‌شود؛ بنابراین کارهای قابل قبول‌تری نسبت به تلویزیون ساخته و پخش می‌شود که با سلیقه مخاطبان همخوانی دارند. حمیدرضا یگانه در پایان درباره اینکه در زمینه اجرا پیشنهادی برای تلویزیون نداشته هم اظهار می‌کند: سال گذشته یکی دو پیشنهاد برای اجرا داشتم که شرایط فراهم نبود و قسمت نشد همکاری کنم. اکنون فقط آرزوی کم‌کم شرایط بهتری برای مردم کشورم مهیا شود.

به گزارش خبرآنلاین، یک زمانی تلویزیون می‌گفت ما سلبریتی نمی‌خواهیم و با جدیت تمام اصرار داشت که برنامه‌هایش نباید سلبریتی محور باشد و با همین فرمان یک راه جدیدی را شروع کرد راهی که به مرور زمان نه تنها نتوانست مخاطبانش را با خودش همراه کند، بلکه مخاطب را روبه رویش قرار داد و به مرور زمان این بازی تبدیل به یک بازی دو سر باخت شد و در نهایت هم رویه به جایی کشیده شد که جلیلی و دیگر مدیران هر کاری که انجام دادند باعث شد به آن‌ها همه وارد شود. به عبارتی یک جنگ قدرتی شکل گرفت میان کسانی که با خودی‌ها می‌خواهند تلویزیون را بگردانند و کسانی که حضور چهره‌ها در جذب مخاطب برای تلویزیون را موثر می‌دانستند و این‌گونه یک زمین نزاعی شکل گرفت میان تمام کسانی که یک عبارتی به تلویزیون دارند.

در ابتدا صداوسیما سلبریتی‌ها و تمام مجریانی که هم مهارت کافی در اجرا و هم محبوبیت لازم برای جذب مخاطب را داشتند کنار گذاشت و در مقابل کسانی وارد عرصه اجرا شدند که یا قبلاً بازیگر بودند یا استاد ارتباطات یا اگر هم حوزه تخصصیشان اجرا بود به قدری تعداد اجرایشان در تلویزیون زیاد بود که تمام فرصتشان برای ایجاد خلایقیت و یک حرکت تازه در اجرا را از بین می‌بردند. البته در این میان هم کسانی مانند محمدرضا شهبازی روی کار آمدند و خیلی هم برنامه خود را پر طرفدار می‌دانستند اما در نهایت مشخص شد تنها ۵ درصد مخاطب دارد و بعد از این آثار ترجیح داد بگوید که دیگر حاضر به ادامه همکاری با تلویزیون نیست آن هم فقط برای اینکه خبر بازگشت رضا رشیدپور قوت بیشتری گرفت.

در واقع اگر بخواهیم به گونه‌ای دیگر به ماجرا نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که با حذف عادل فردوسی‌پور، سروش صحت، مهران مدیری، رامبد جوان، احسان علیخانی، رضا رشیدپور و محمدرضا گلزار مجریان و هنرمندان به دو دسته خودی و غیرخودی تقسیم شدند: در این دسته بندی که چندساله هم دست خودی‌ها بود، چیزی عاید صداوسیما نشد، یعنی دست‌کم در از لحاظ جذب مخاطب هر چه کوشیدند مخاطب هیچ یک از برنامه‌ها به ۷۰ درصد که هیچ به ۴۰ درصد هم نرسید.

وحید جلیلی، قائم مقام رئیس صدا و سیما در گفت‌وگوی اخیر می‌گوید که با مجله سوره داشت به این مسئله اشاره کرده بود که اگر سلبریتی روی آنتن نباشد بلافاصله سروصدا می‌شود». در واقع سروصدایی ایجاد نمی‌شود اتفاقاً مخاطب این دست می‌روند و آمار این ماجرا را تایید می‌کند. جلیلی گفته بود: «جریان تازه مدیریت، کمتر از دو سال آمده است. موقعی که صداوسیما را تحویل گرفتیم، متوسط بیننده سرپال‌ها ۲۴ درصد بود. تنقلیکوی که اجازه نداشت طوری حرف می‌زنند که یک جریان رسانه‌ای متنوع، رنگارنگ، پربوق و پر مخاطب داشسیم و یک‌باره افول کرد؛ دلیل اینکه تحول لازم و ضروری شد این بود که شما گفتید به اجازه دهید از آرم‌ها کوتاه بیاییم و خنثی بدیم اداره نکنیم تا می‌توانیم به سلبریتی‌ها میدان بدهیم که این‌ها برای ما مخاطب بیاروند تا نظام قوی شود. بعد از بیست سال چه شد؟ هم مخاطب به‌شدت ریزش و افت کرد، هم سر بزنگاه‌ها کسانی که برکشیدید، از جبهه دشمن سر برآوردند.»

حالا به آماری که محمدرضا نجارزاده، مدیر گروه اجتماعی شبکه ۳ منتشر کرده نگاه می‌کنیم: «۵ درصد مخاطب برای سیدخندان، معلی ۳۷ درصد، محفل قرآنی ۲۰ درصد، اعجوبه‌ها تا ۳۰ درصد رو زد، خودمونی رجبی ۱۹ درصد.» در واقع با یک جمع و تقسیم ساده به عدد ۱۱۱ می‌رسیم که تقسیم بر ۵ می‌شود ۲۲.۲ یعنی به صورت بالفعل دو درصد از مخاطبان تلویزیون کاهش پیدا کرده است اما به صورت بالقوه آماری در دسترس نیست که در آن زمان تلویزیون چند میلیون مخاطب داشته و الان این میزان به چند میلیون نفر رسیده است.

با این حال که جلیلی چندان موافق میدان دادن به سلبریتی‌ها نبود اما وقتی اوضاع را از این قرار دیده است تصمیم گرفته تا رویه خود را تغییر دهد.

**بازگشتی در کار است؟**

کمی به قبل‌تر بازگردیم، بعد از خبری که محمدرضا گلزار اخیراً در حضور یکی از طرفدارانش اعلام و عنوان کرد که با اجرای یک برنامه با محوریت پانتومیم به تلویزیون برمی‌گردد، این خبر با بازتاب‌های فراوانی در فضای مجازی همراه شد. عده‌ای مخالفت کردند و گروهی دیگر با

تلویزیون با مجریان خودی به جایی نرسید!

# بازگشت چهره‌ها به سیما؟

*یک زمانی تلویزیون می‌گفت ما سلبریتی نمی‌خواهیم و با جدیت تمام اصرار داشت که برنامه‌هایش نباید سلبریتی محور باشد؛ با همین فرمان هم پیش رفت و بعد از مدتی تمام مجریانی که هم مهارت کافی در اجرا و هم محبوبیت لازم برای جذب مخاطب را داشتند کنار گذاشت و در مقابل کسانی وارد عرصه اجرا شدند که یا قبلاً بازیگر بودند یا استاد ارتباطات یا اگر هم حوزه تخصصیشان اجرا بود به قدری تعداد اجرایشان در تلویزیون زیاد بود که تمام فرصتشان برای ایجاد خلایقیت و یک حرکت تازه در اجرا را از بین می‌بردند.*



چشنگ میشینه توی هوایما از کیش میاد تهران برنامه ای چند ده میلیون میگیره و برمی‌گرده. این وسط هم بی‌خیال آرمان و روح‌الله؛ بی‌خیال بدن عجمیان که روی آسفالت خیابان کشیده شد؛ بی‌خیال صدای بی‌رقم علی‌وردی که در لحظات آخر هم داشت رجز می‌خواند. ای دنیا…»

بعد از اینکه نجار زاده آمر مخاطبان برنامه شهبازی که تنها ۵ درصد بود را اعلام کرد و خبر بازگشت رشیدپور تا حدودی تایید شد. محمدرضا شهبازی در کاتال تلگرامی خود از ادامه همکاری با برنامه «پاورقی» خبر داد و نوشت: «بسم الله از اجرای برنامه پاورقی کناره‌گیری کردم. دلایلش رو توی این ویدئو توضیح دادم. خلاصه‌ش اینکه قرار نیست بسپچی فحش‌خور زمان فتنه و جنگ … باشه و در عاقبت، صلاح‌ورزی‌ها و رشیدپورها و آخوندی‌ها، در میدان اقتصاد و فرهنگ و سیاست جولان بدن. قرار نیست هنوز سال شهید عجمیان و علی‌وردی نشده، فعالان و ساکنان و مشوقان فتنه برگردن رو آنتن، ما زورمون به هیچ‌کس هم نرسه، به خودمون که میرسه! زورمون میرسه یقه خودمون رو بگیریم که آهای! مرد حسایی، بلند شو، داد بز، نزار فحش به نظام و انقلاب و تأیید امام زمان و شهدا عادی بشه.

بلند شو به دادی بزن که خون شهید آب جوی نیست که راه بیفته کف خیابون و هنوز سالش نشده به بهانه‌های مختلف اونایی که روی خونش پا گذاشتند رو برگردونید به آنتن. بلند شو فریاد بز ن اون بدن عجمیان روی آسفالت داغ اتوبان کشیده نشد که شما برید سراغ اونایی که دور بدنش هیله می‌کردن. امیدوارم خدا عاقبت همه‌مون رو ختم به خیر کنه.» هرچند این دودستگی ادامه دارد، اما روزنامه‌ای مانند کیهان می‌نویسد: «یکی از مجریان زن شبکه ضد ایرانی (من و تو) در برنامه‌ای زنده در این شبکه فاش کرد که رضا رشیدپور در زمان مجری‌گری در صداوسیما، به‌صورت مستقیم برای او و همکارانش مطالبی را ارسال می‌کرده که خودش جرأت صحبت درباره آنها را نداشت است؛ این‌ها در حین هم‌زیمنه با سیاستهای نظامی است؛ از صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی برای همراهی با فتنه سال ۱۴۰۱ نوشته بود باقی است و این خود گواه گرایش اصلی اوست. با این اوصاف، جای سؤال است که با چه توجیه و توضیحی بناس‌ت اجرای برنامه‌ای در دوران تحول صداوسیما به او سپرده شود؟»

اما مابین این دسته بندی درست‌ترین حرف را محمود رضوی گفت. او با انتشار تویییتی در توئیتر خود درباره بازگشت مجریانی چون رضا رشیدپور

### فرهنگ و هنر

### اخبار

**یک مساله حیاتی که کسی به فکر**

**آن نیست**

محمدرضا عطایی‌فر که این روزها نمایش «هل پوک» را روی صحنه می‌برد، با ابراز تأسف از دشواری‌های تبلیغ تئاتر در وضعیت فعلی گفت: کسی پیگیر این مسئله حیاتی برای هنرمندان ایران نیست. او در گفتگویی با ایسنا با ارایه توضیحاتی درباره این اثر نمایشی از وضعیت تبلیغات تئاتر ابراز تأسف کرد.

عطایی‌فر که این روزها آخرین اجراهای «هل پوک» را در تالار انتظامی خانه هنرمندان ایران روی صحنه می‌برد، گفت: تبلیغ تئاتر در جایی مانند تلویزیون اصلاً اتفاق نمی‌افتد و رقم‌های بالا می‌خواهد، یک بیلبرود شهرداری هم رقم میلیاردی دارد، بنابراین ما چیزی نداریم و تنها فضای مجازی وجود دارد که به خاطر شرایط فیلترینگ، فعالیت در آن سخت شده است و کسی هم پیگیر این مسئله حیاتی برای هنرمندان ایران نیست.

او که خود گزارش متن این نمایش را نیز بر عهده داشته، درباره محتوای آن توضیح داد: نمایش «هل پوک» در سه اپیزود تولیدشده و به روایت رخدادها و اتفاقاتی که همین الان در زیرپوست کلان‌شهرهای ایران در حال اتفاق افتادن است، می‌پردازد.

عطایی‌فر اضافه کرد: امیدوارم که این اجرای اجتماعی به مسئولان، خانواده‌ها و از همه مهم‌تر جوانان آگاهی ببخشد تا از بعضی اتفاقات آگاه باشند و فریب نخورند. رواقع در این اجرا سعی کردیم با در نظر گرفتن نگاه آموزشی، روایت‌هایی را که فکر می‌کنیم می‌تواند به آگاهی‌بخشی به‌خصوص برای نسل جوان مفید باشد، در فضایی دراماتیک، به نمایش بگذاریم.

او در ادامه درباره موضوع نمایش نیز گفت: این اثر نگاهی به شکل‌گیری فرقه‌های بدون قید و بندی می‌پردازد که با آرامی در حال جذب همراهان بسیار هستند. رشد قارچ‌گونه شرط‌بندی‌های زیرزمینی در کلان‌شهرها و فعالیت پانسیون‌های غیرمجاز به‌خصوص برای اقامت دخترها، رخ می‌دهد، سه اپیزود نمایش «هل پوک» را تشکیل می‌دهد که در هرکدام علاوه بر روایت داستان، خطرات آن‌ها نیز نشان داده می‌شود.

عطایی‌فر درباره حواشی این اجرا توضیح داد: ما هنرمندان همیشه باید طرح مساله کنیم و حل مساله را به مسئولان مربوطه بسپاریم. نمایش «هل پوک» نیزمکنم است حاشیه‌هایی داشته باشد ولی من فقط طرح مساله کرده‌ام و مسئولان، باید به این موضوع رسیدگی کنند.

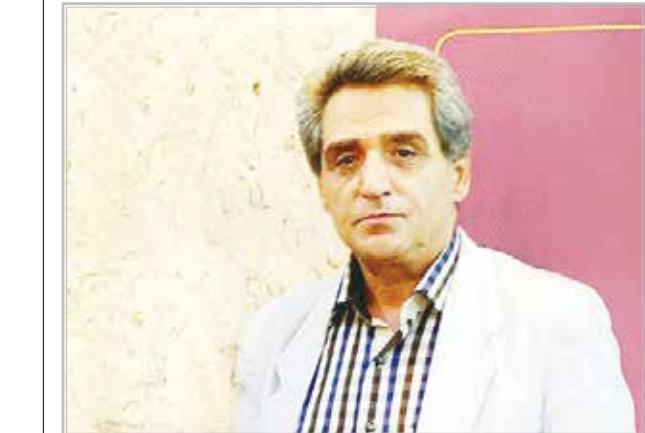
این کارگردان افزود: اگر بخواهیم نگاه امیدوارانه به جامعه تزریق کنیم راه را به‌جایی نخواهیم برد و صورت‌مسئله پاک نمی‌شود. وقتی در جامعه چنین روندی دیده می‌شود، من به‌عنوان کارگردان نیز نمی‌توانم در فضای نمایش، نگاه امیدوارانه‌ای داشته باشم. زمانی می‌توانم امید بدهم که نقطه روشنی را ببینم و شاهد اتفاقات خوبی در جامعه باشم.

او درباره تعامل و همکاری با خانه هنرمندان در راستای ساخت این نمایش بیان کرد: وضعیت کارکردن در خانه هنرمندان انظر تجهیزات کاری و سالیی نیاز به بازنگری و کمک دارد ولی انظر روند افکاری نگاه مثبت‌تر و خلاقانه‌تری همراه است.

عطایی‌فر با اشاره به گروه بازیگران نمایش اعلام داد: در نمایش «هل پوک» از دو گروه بازیگر باتجربه و بازیگران جوان استفاده‌شده است؛ جوانانی که به احتمال زیاد سرشاخه‌های فصل‌های بعدی تئاتر کشور هستند. قطعاً استفاده از باتجربه‌ها و گروه خوردن آن‌ها با جوان‌ها سبب شده نتیجه خوبی رقم بخورد.

گفتنی است که علی حیدری، مریم یوسف، شیما خوش‌اقبال، بهار ذوالقدر، النا مکاری، یاسمن گرگانی، زهره محمودی، پونا کورتابی، محمد مغفانی، مهرداد خورشیدی، شاهد بهوند، کیان مهربان، علی ایزدی، نادیا بخشایشی، سارا واحد نوعی، صبا حضوری، مریم سکوئی، هانیه رحیمی، فرلین پیکه‌زاده، زهرا نادری، ملیا حسینی، حسین پیروز، امیرحسین امیری، نینوش جوزی‌نیا، علی زمانی، امین ترکمان، روزبه امرایی و محمد تهرانی بازیگران این اثر نمایشی هستند.

این اثر نمایشی که از ۲۸ تیر روی صحنه رفته، از ۲۷ مردادماه به اجرای خود ادامه می‌دهد و هر شب ساعت ۲۱ در سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران به صحنه می‌رود.



است برای کودکان زود است و باید به شکل دیگری با اسطوره‌ها آشنا شوند که از آن‌ها احساس غبن نکنند. کودک این توانایی را ندارد که ترازوی رستم و سهراب را درک کند؛ بنابراین آشنایی با این بخش در مرحله بعدی قرار دارد. «سبمرغ» و «رخش» (اسب رستم) از اسطوره‌های جذاب برای کودکان است که می‌تواند روحیه بالایی به آن‌ها بدهد و نویسندگان این‌ها را در اولویت قرار دهند و در سنین بالاتر به ترازوی‌ها بپردازند.

### بچه‌ها «ژئوس» و «هرکول» را بیشتر می‌شناسند

داشته باشند. اگر بخواهیم در این زمینه موفقیتی داشته باشیم و ناشران با اسطوره‌های یونان و روم و هند و سرخپوست‌ها رقابت کنند، باید نویسنده‌ها بتوانند در این زمینه گسترده‌تر عمل کنند و مخاطبان بسیاری داشته باشند. درست است که مخاطبان کتاب‌های کودک و نوجوان، کودکان و نوجوانان هستند؛ اما خانواده‌ها نیز باید این ضرورت را احساس کنند. آن‌ها وقتی می‌بینند فیلم‌های زیادی از اسطوره‌های غربی به‌راحتی در دستور زبان ما هست به سراغ آن‌ها می‌روند. ناشران و نویسندگان باید به سمت معرفی اسطوره‌های ایرانی، هویتی و سنتی بروند تا مخاطبان را جذب کنند.

این استاد دانشگاه درباره این که آیا همه اسطوره‌ها برای بچه‌ها داستان نوشت با‌توجه‌این که برخی سرنوشت تراژیک دارند گفت: این‌که نوشتن از چه بخشی از اسطوره‌ها ضروری‌تر است، فکر می‌کنم پاسخ شخصیت‌های اسطوره‌ای باشد؛ جذاب‌ترین شخصیت‌های اسطوره‌ای که در شاهنامه منعکس شده است، همین‌طور اسطوره خدایان ایران باستان چون میترا (خدای خورشید) یا تیتیشتر (خدای باران). بچه‌ها بیشتر با اسطوره‌ها و الهه‌های غربی چون ژئوس (الهه جنگ) و هرا آشنا هستند. نوجوان باید با برابریزنده‌های ایرانی و ملی آشنا باشد تا بتواند احساس کند ما هم در برابر اسطوره‌های یونان و روم اسطوره‌های جذاب‌تری داریم و همه این کاراکترها در فرهنگ ایران دیده می‌شود.

ابوالقاسم اسماعیل‌پور در پایان گفت: من موافق نیستم همه داستان‌های شاهنامه را در دسترس کودکان و نوجوان وارد کنیم و همیشه به همکاران می‌گویم داستان «سهراب» که نتیجه‌اش کشتن فرزند توسط پدر

جذب هویت‌ها و فرهنگ غرب می‌شوند. الان بچه‌های ما شخصیت‌های «ژئوس» و «هرکول» و دیگر شخصیت‌های غربی را خیلی بیشتر و راحت‌تر از شخصیت‌های کنش‌ومانی می‌شناسند و این موضوع به دلیل این است که در آن‌جا تبلیغ بیشتری می‌شود؛ اما زمانی که شما با اسطوره‌های ایران مثلاً سیاوش و رستم می‌گویید، شاید به آن اندازه آشنایی نداشته باشند.

این اسطوره‌شناس با بیان این‌که معرفی و شناخت اسطوره‌ها یکی از راه‌هایی آشنایی نوجوان ایرانی با ادبیات بومی و فرهنگ کهن‌مان است، اظهار کرد: معرفی هر اسطوره‌ای چند حالت دارد؛ داستان‌نویسان داستان‌های کهن را که راجعه به اسطوره‌های ملی و حماسی چون «فریدون»، «کیکوتر» و «سهراب» داریم یا شخصیت‌ها و اسطوره‌های دینی را که در قالب «قصص‌الانبیاء» عرضه شده‌اند، به زبان ساده و جذاب بازسازی کنند، البته نه به این معنا که خلاصه کنند؛ بلکه به‌صورت جزئی‌تر در اختیار کودکان قرار بدهند. حالت دوم ارائه آثار در بعد هنری و تصویرگری است. اگر کتاب‌ها بدون تصویر باشد، جذابیتی برای بچه‌ها ندارد. در مرحله سوم باید آن‌ها را به‌صورت فیلم

و کارتون دربریاورند و موسسه‌های هنری و ادبی این وظیفه را بر عهده بگیرند تا اسطوره‌ها را برای کودکان و سنین پایین جذاب‌تر کنند. او یادآور شد: دکتر مهرداد بهار، اسطوره‌شناس قدر و تحلیل‌گر آثار فرهیخته، دو سه عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان با موضوع اسطوره نوشته بود. البته برخی از ناشران درباره اسطوره‌های شاهنامه کار کرده‌اند؛ اما تکنوتوک کتاب‌های خوبی عرضه شده، برخی از آن‌ها خیلی عامیانه بوده و جدیت لازم را نداشتند، باید ناشران و نویسندگان در این زمینه جدیت